

# او از مردم بود و با مردم بود

خانم فرشید افشار (خرمشاهی)

بنده مرحوم دکتر محمد مصدق را در موضع فضیلت‌های حکومتی و برتری اخلاقی و مکارم انسانی دیده و شناختم. در سنین نوجوانی، با زندگی در حیاط‌های قدیمی تودرتو، اتاق‌های مرتبط با راهرو و درگاه‌های خیال‌انگیز زیرزمین‌های راه‌یافته در هم، آجرهای نمور، ایوان بلند، هشتی و دالان و اندرونی، شمشاد‌های باطراوت و بیدمجنون دم حوض و خردند و پاشیر با اهالی متمسک به دعا و زیارت، خواننده و پیرو قرآن، پیوسته گوش به زنگ کلام پرشور و وطنین دولتمردی بودم که از مردم بود و با مردم بود و از دو خصوصیت "ایرانیت" و "اسلامیت" سخن به میان می‌آورد. همیاری او با آیت‌الله کاشانی که مادر بزرگم را خواهر و او ایشان را برادر خطاب می‌کردند، در ذهن ما تأثیری بنیادین داشت؛ که مادر بزرگ زنی بود فرهنگی، مبارز، مؤمن، نامدار و با بعضی رجال متدین و خوش فکر آن زمان هم صحبت و هم‌آوا بود، معروف به شمس الرؤسا.

در آن زمان تلویزیون وجود نداشت. صحبت از زمانه‌ای دور دست است که برای جوانان امروز تصویری گنگ و مبهم دارد. صحبت از دوره‌ای است که رویدادهای مهم و غرور انگیز تاریخی به واسطه نبود اطلاع‌رسانی کامل و جامعی که امروزه جهان را در سیطره خود دارد خبری نبود. تصویر خانه‌هایی پر رمز و راز، آمیخته با مسائلی سنتی و آداب و رسوم و فضای بسته که خبرهای روز مثل آهنگ زمزمه‌شدنی ترانه‌های جاذب و نادر فقط در دالان‌ها و راهروهای آن می‌پیچید، بی آن که از موج‌های گوناگون رسانه‌ای و ماهواره‌ای اثری باشد.

خانه ما یکی از هزاران خانه‌ای بود که صدای رهبران زمانه شنیدنی‌ترین صدا از رادیوی تازه راه یافته به خانه بود که آن هم با بحث و گفت‌وگوهای بین بزرگ‌ترها و میان سالان به دست آمده بود. ما در این خانه و در کوچه‌های سنگفرش و پیچ‌درپیچ، صدای نافذ، گیرا، ملایم و امیدبخش او را فقط از طریق رادیو می‌شنیدیم و تصویر او را در جرابید بعضاً دست به عصا و کجدار و مریزی چون اطلاعات آن زمان و معدود روزنامه‌های ملی و آزادیخواهی چون "باختر امروز" می‌دیدیم. صلابت و خصوصیت یک فرد اصلاح‌طلب، آزادیخواه و مبارز را داشت، ولی آمیختگی این جهات در او با آرامشی نافذ توأم بود. وقتی با مردم سخن می‌گفت انگار از دل و جانش سخن می‌گوید، بدون آن که در سنت‌های مقدس و ایمان‌پویای ما خدشه‌ای وارد سازد. او یک مرد اصیل ایرانی با ضابطه‌های رفورمیستی و نوگرایی جالبی بود. باید بگویم در زمان دولت او فقط صدا بود که می‌رسید و می‌ماند. در نوجوانی سال‌های شور و اشتیاق، در آن حیاط قدیمی و کهنه‌سرا طنین صدای گیرای او که امید به جان‌های خداپرست و وطن‌دوست می‌داد، از طریق رادیو و در کنار شمشاد‌های بلند و خرم و صف بسته و جنب حوضی با آب سبز که گاه لای و لجن چون برگ‌های نیلوفران به روی آب آمده بود، به گوش می‌رسید. فضا فضای امیدبخشی بود که او ما را با متانت ولی به سرعت با مفاهیم حاکمیت ملی، ملت‌دوستی، آزادی، استقلال سیاسی و اقتصادی (گرچه فرق این دورا در آن زمان به روشنی درک نمی‌کردیم)، قطع نفوذ اجانب، تثبیت مالکیت در سرمایه ملی (که بعدها فهمیدیم این همان جنبه اقتصادی استقلال است) دوری از خودکامگی و استبداد، آداب کشورداری و روی پای خود ایستادن آشنا می‌کرد و از همه مهم‌تر تهییج ملت از جانب او بود برای حرکت به سوی این معانی عظیم و خوشایند. او همچنین دست زد به سینه بیگانگان و خروش علیه استعمار و ابراز انزجار به مبانی استثماری دول بیگانه را به همگان القا می‌کرد. خود در موضع اعتدالی حکومت به مفهوم مردمی آن و کسب فضایل حکومتی پای می‌فشرد و این مفاهیم را نه با طریق مماشات و صرفاً سخنوری بلکه با قاطعیت هر چه تمام‌تر ادا می‌کرد و اینها به نظر من نه تنها معانی

اشاره: خانم فرشید افشار فارغ‌التحصیل رشته حقوق قضایی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران می‌باشد. وی دوره کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه شهید بهشتی گذراند، در سال ۱۳۵۳ دوره تخصصی 'حقوق تطبیقی' را در دانشگاه استراسبورگ به اتمام رساند. ایشان، دارای ۱۸ سال سابقه کار تحقیقاتی در مؤسسه تحقیقاتی دانشگاه تهران و همچنین سابقه تدریس در دانشگاه علامه طباطبائی و ۱۱ سال سابقه وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی می‌باشند. وی در تدوین بسیاری از آثار تحقیقاتی و پژوهشی، سهمی مؤثر داشته و با نشریه 'تحقیقات اقتصادی' همکاری کرده‌اند و در سال ۱۳۷۵، اشعار خویش را در کتابی با عنوان 'دیوان زاینده‌رود' منتشر ساخته‌اند. این نوشتار، خاطرات و دیده‌های ایشان، در سنین نوجوانی، از دوران حکومت دکتر محمد مصدق است.

و مفاهیم ملی بلکه معانی و مفاهیم انسانی و اسلامی می نمود که اسلام نیز اعتلای انسان و آزادگی را تبیین و توصیه می کند.

مصدق دولتمردی بود که نوجوانان و دختر بچه هایی که غیر از رفتن به راه مدرسه و بازگشت، گاه چون ما با چادر سفیدی به سر، فقط برای خرید دفتربه و مداد برای بیرون رفتن از خانه مجاز بودند، همگرایی و اجتماع عظیم مردم را به ما می رساند و به ما درس استقامت و همبستگی می آموخت. او مردی قانون شناس و تابع قانون بود و پیوسته به اطرافیان تذکراتی راجع به تبعیت از قانون می داد. حتی در مورد خودش اجازه نمی داد خشونت را با خشونت پاسخ گویند و خاطر نشان می ساخت که مملکت قانون دارد و این امور باید از طریق قانون حل و فصل شود.



قانون مداری از دید مصدق عادت به اجرای مقررات و قوانینی بود که از هرج و مرج جلوگیری کند، چرا که اگر او طالب آزادی و رهایی از قید استعمار بیگانه نبود، نمی خواست فضای آزاد حاکم بر کشور (که او طلب می کرد) اجازه بسط و گسترش ندا و صدای مردم را در داخل بدهد و به آنها اجازه دهد تا اگر قانون در جایی به ضرر و ضد حاکمیت ملی جاری می گردد، ملغاً گشته یا بهتر از آن تدوین یابد و قانون قبلی منسوخ گردد. او یک آزادیخواه به کمال بود و اگر از آزادی یاد می کرد، آزادی در چارچوب مقررات مملکتی با حد و حصر قانونی مورد نظر او بود و همین قانون هم به هر حال با اهداف بزرگ او از طریق حاکمیت ملی و مردم سالاری می بایست تغییر یابد تا از طریق تدوین قوانین مناسب عدالت اجتماعی نیز رعایت گردد که این معنا را جان های شنوای سخنان او به کرات درک می کردند.

او دوستدار مردم و مردی ملت گرا بود که ملت این بندگان خدا اغلب ناخود آگاه تحت سلطه مخدوش و جابرانه هیئت حاکمه ای که آبشخوری در خارج از کشور داشت قرار گرفته و می بایستی از این سلطه قاهرانه و ستمکارانه خلاصی یابند. در مصاحبه های خود و در نطق ها، در زمان نخست وزیری که اکثراً با عنوان هموطنان عزیز آغاز می شد، خود را نخست وزیر ملت می دانست و نه نخست وزیر مجلس و یا شاه، چه او می دانست که ملت با اوست و منتخب آنهاست.

جان کلام آن که، از اهداف بزرگ دکتر مصدق استقرار حاکمیت ملی در کشور بود، و در این مسیر تا حد مبارزه با استعمار و قطع دست بیگانه از سرمایه ملی کشور یعنی نفت پیش رفت. چه هدف او از ملی کردن صنعت نفت فقط این نبود که ملت مالک تام این سرمایه ملی بشود، بلکه بیشتر منظورش به استقلال رسیدن کشور و قطع آبدی بیگانه در مداخلات داخلی کشور در همه سطوح اداری، شهری، سازمانی و کشوری بود. دکتر مصدق از ملی کردن صنعت نفت در درجه اول حاکمیت ملی و استقلال را طلب می کرد و کسب درآمد نفت برای کشور از نظر او در درجه دوم اهمیت قرار داشت و این مهم با تلاش پیگیر و بی وقفه او از طریق مبارزه با عوامل خارج و معارضان داخل تحقق پذیرفت.

به روان او درود می فرستیم و امید داریم که اهداف پیگیر او در زندگانی راهنمای ما باشد.

مصدق در موضع  
اعتلای حکومت به  
مفهوم مردمی آن و  
کسب فضایل  
حکومتی پای  
می فشرد و این  
مفاهیم را نه با  
طریق ممانشات و  
صرفاً سخنوری  
بلکه با قاطعیت  
هر چه تمام تر ادا  
می کرد و اینها به  
نظر من نه تنها  
معانی و مفاهیم ملی  
بلکه معانی و  
مفاهیم انسانی و  
اسلامی می نمود که  
اسلام نیز اعتلای  
انسان و آزادگی را  
تبیین و توصیه  
می کند

